		۳۵.	م ال اول شمار
بومیسی ۱۹ شعبان المعظم ۱۲٤۱ (۲) آوریل ۱۹۲۲	اول اصلاح اقتصا دے ر	برج حمل ۱۳۰۲ برج حمل ۱۳۰۲	
این روزنامه بدون نقاضای کنبی برای کمی ارسال نمپذو د		داور نماینده دارالشو رای ملی	
وجه اشتراك :		لا التي ميرين الي المينية المينية الا الت	and the second
سالیا نه داخه سه ماچه د اخله ۲۰۰ قران ۵۵ قران ۳۰قران خارجه بعلاوه اجرت پست	1)/5/	۳ اران ۲ ۵ ۲	صابحه اول صابحه دوم و سوم مفحه چهارم «
قېمت لك شماره نايك ماه ۶ شاهبي است		ن خبابان علاء الدو له	محل إداره: طهر ا
مسابقه وهر خوب خانک قارلین یا منبوق هستند قرار بود هرتزی در جواب های راجع	تا انکه اقا سیے مستوفی پس از هفد ، روز مط لعه چهار وزیر خوب	می کند ـ براسیےچهم براسیے اینکه همه با هم تعارف	با د داشت يومنيه
بمسابة، شوهـر خوب دقت كـرده و سه جوابي را كه از همـه بهتر است انتخاب كـنند .	نا زنین – محجوب و ملی مناما خود ما نی ومعنو لی تحویل مجاس دادند	داریم – بی مقدمه و لفافه کمتکو کردن بر اسیه ما مقدور نیست ا	۹۵ حمل هیچ فکر کرده اید تما رف با جا ن
الحائزه اول را آن هیئت برای جواب سیم که بامضای و آ و س و است معین کرد . و جایبزه دوم را برای جواب یازدهم که به آمضای و زیبده خانون و بود .	ان روز کسانی که از ابتدا باقیا ی مستوفی همچو ایدان قر صر و پیا بر	کیست که بدلاقات شما یاید : ومثل ادم ای معطلی بکوید قصودش	ما چه میکند م هر آیرانی چېل ساله هیچ نبا شد
الکلمف جایزه سبم هنوز معاوم نبست نا آخیر هفته آنسه نعمین خواهد شد :	جائی ندا شنندملتفت ، دند که (اما)ی		چها ر سال تما رف کرده : چهار سال ملاقحات بسی ثمر و پذینرا می بلا
ساقط شده بو د ۱ - دانتیزیک و ممیل دو شهر	کدائی از میا زرفت و اقا بے،ستوفی هما نند که بودند	که در خصوص ارادتش می کوید	نتيجه ا بنظر اول اين حرف اغر أق است
عجالنا از گذشته بکذوبم =خوب ۲ - بوسبله مراجعه باراء عمومی ناحبه یابد حجب و تعارف مدی آ قامی (شازوبك هو لشتاین) به دانداركداده	یمد دوره تنظیم پروکرام پیش امد ا	کسل نباشید – بکدارید جلو م بدهد که به د قصد زیارت حضرت عالمی »	ولی خیر اینطو ر نیست ۱۰ از فر د ا
مستوقی را نگاهدا شت و لی مدت ا شده و قسمت زیادی از سوازی بلهستان در این سورت چکونه اروپا مبتواند در	هر گدام از جراید ما را به می بد روز بے یک بار کر ام –	آمدہ – حرصلہ کنبد پس از انکہ نیم ساعت و قت شما – عمر شما	مداد بردارید و تمای ^{لی} عفته و قت هانی را که برای تمارف از دست
· مخالفین جدید حکومت به بقیه هیئت بعقبده ما عملی کردن این نجدید	ا خا لبا خوش عبارت تر و شایدگاهی جامعتر از آ نچه دوات به ساورد	 وا بی انصاف کرف و ببا د داد ان وقت خوا هید فهمبد بد بخت 	دا هم اید در یك دفتر بنملی بنویسید روزهشتم یا د داشت ها را بیاوزېد
التلاف تصمیم خود شان را نفتند از آن بمبان ببایددیکن نمبتوان موادی دولت ا قا ی مستوفی در مجلس دکر که به مناوبېن احمېل شده بانها قبولاند	بی ون میدهند . اقای مستوفی بیشتر از بست	برایے چه این همه ۵ درد سر ، می دهد ا	ج م میزنیم – خدا ب میکنیم و می بینیم چند ساعت عمر بعشق تمارف
اكثريت ندارد . بهتر است خود مزياني كه از نقط، نظر اقتصادي برساير مزياني كه از نقط، نظر اقتصادي برساير ا قاى مستوفى زودتر اين بحران(ممالك دارد بتواند حكم شده طر فبن	روز معطل نهیه پرو کرام شدند ا	۔ واقعا ابن تعارف نیست ـ ابن	از دست شما رفته و النه محشہ درم ادران هر قدر

ا _و ان وا ما	en in an in the second from the second s	ب از و درام چندے هم رای	باج صغب تفس ومستهى اراده است	
	. خا مه بدهند	تعبين كسر سيد كما بينه مط لمهكر دند	که عدرما روز بروز می دهد و ما از	محمر شهابيشتر نقله شده باشد معقول
	المتحد ومراجع		قدر و قيمت ان غافليم - أين بلا	قر ونجيب تر جلوه خواهيد کر د
		ا بن زو به مخالفین اقا کم ستوفنی		
		را زیاد کرد 🚽 حرف حسابیشان		ولى مقلاى عالم بمقل شما وبنده
	ميانت ورخارجه	این بود که ما از ژئیس الو زرا توقع	Contraction of the second second	و سایر هیومننان مزیز بنده وشما
n ser		نداشتيم دراساس زندكانى اقتصادى	ای کاش تمارفات ما محدود بود	میعندہ در
	وصاع ار و ۱		و از دائرہ زندگا نی شخصی تجاوز	راستی خود مانیم - انسان
مقرر	اروپا در منکلات عدیده غوطه و ر	ایران تغییرات مهمی دهند ا_		
الماو	شده . بك نوع نو مېدى و لشنجى همه	ما منتظر نبود بم دبیر و فعالیت ایشان	نی کر د ۱	عاق هم عبر ش را بيهو ده دور می
که و	را فرا کر فته . این باس و نشج لو لېد دو نهضت مخا اف کر ده است : اجتماع و ن	ایران را ابا د بکند - نه - ما فقط	ولی درد این جا است که ملت	ريز ه ج
نو دن ميعل	از بکطرف ، ار اجاعبون از طرف دبکر	انتظار دائتيه بيطرفانه انتخابات	اجيب ه يشه و هـ با تما رف مي	ماهاتی را که باید صرف کسب
ter l	بحرکت آمد. اند		کند – ختی در بیاست ز ن	کال کرد کے صبح و عصری کرا
	حتی در فرانسه که علاقه مفرط به	دوره پنجم راشر وع وطوری بسرعت		
مدا	مؤسبات جمهوري داشتند نهضتار لجاعى	ر پیش ببرند که دوچارفتر ت نشویم ک	آقای مستوفی ر ڈیس الوزرا شدند .	که باید برایے تهیه وسایل اسایش
in a	در ایاش شاه پر ستی غرض اندام کرد.	ولی از شخص حترم ا بشان که	اهمال گا رہے و بطوء تصبیم	یہ ۔ خانو ادہ و تامین روز پیر بے بکار
مر بو	است المنابع المراجع الم		ایشان بقدری سابقه داشت که از همان	برد – وقتی را که باید بمصرف
	این جنبش ها برای امدن اروپا	برای تعیین شش آمر وزیر دو مامصرف	1944 And Andrew Andre	n a shinin i shi ka bi ta shuka mar ya maka marka ka shekazi ku ji ta
3 . k	خالی از خطر نبست . ولی چېزی که	وقت کرده اند هیچ عقلی ندیتو آند	ا بندا غده می کر ان بودند و ازهم	ترقی مملکت زد 🗕 شبنی وا که باید
ېو د	همه فراموش کرد.اند اینست که علت ملاک	انتظار داشته باشد كهدر فاطه سه	میپر شید ند : این این شید ند : این ا	باستراحت فكر و بدن اختصاص داد
ا ت <i>د</i> . را ما	فلاکت و نهرمروزی اروپا جنگ است - جنگ بعکس همه تصور میکنند کرسب	ماه بیش از شصت نفر وکیل دور ه	🦷 (میشود بحرف هوا داران جدی	ے اپن اوقات را بکدام عقل ۔
خو ا	بديختى معاهده ورساى مبياشد آبا ين		اقایے مستوفی اعتما دکرد و امید	
در	جهت عده ای از ممالک عالم مخصوصا	بنجم را درمر کر حاص خواهندگرد .		محض الطر هبج – از دست می
1 	انکلستان ـ معتقد اند که باید در ان عهد	این حرف حسابی ایست و	وار شد ۹ میشود با ورکر د که واقعا	ایند دهید ۶ د ایند و در ا
است	أنامه لجديد نظر كرد .		در آقای مستوفق یک انقلاب روحی	
باشد.	شاید معتقدین ناین مسئله امروزیافردا	کوئید این ها هیچ م بوط به	بيدا شده ? البته أسا سا اين قبيل	مطلبی را که در ده دقیقه می
مبلغ	دارای اکثریت شده و موفق بشکهل	تما رف نیست = هست	انقلابات روحى مخال نيست كه سهل	شود کفت و شنید 🛶 یك جلد ـ
-	سنفرانسی برای تجدید نظر درمعاهده			حاشیه می زنیم 🗕 چرا ۹ برای اینکه
بايـد	شو ند . اکر چنبن حادثه ای رخ دهد	اکر عدہ ٹی کہ از یک ماہ قبل	احت نظا دِرْ الْرَيْخَى دَارْدَ = امَا	
شو د	آلیته امریکا طرفدار آن خواهد بود	این عقیده را داشتند بدون تسارف	(, , , , , , , , , , , , , , , , , , ,	تمارف بی پر چانکی نبی شود
بان	ولی حرف در این جا است که معاهد.	آن را میکنند	این (اما) کم کم بزر لئے شد	خرق که در یک جلسه داید به
`	ورسای سهسال است بموقع اجرا کذارد.			نتيجه برسد دوسه محلس ديباچه پدا
ا ټو شه	شده و وضعبت مخصوصی در اروپاایجاد	کا بینه آ فاحیث مستوفی یک ماه پیش	ا قوت کر فت 🗕 بزرگ تر شد	البيجة فرصد دوسه معنس ديباجه زيدا

دا باهم سلح دهد !

قانون استخدام

j:da.

در مقاله قبل کنتېم که در اهېېن مقرری معلمېن باید دو اصل منظور شود اساوی حقوق در امام مملکت برای معلمېنی که واجد شرایط واحده هستند اناسپ بودن حقوق با مخارج زندکانی در هو سعل لوضبح این دو اصل بظاهو متضاد

میزان و جهی که هر معلم دریافت بدا رد مرکباستاز دو قسمت : یک سمت مربوط بشخص معلم و یک قسمت ربوط بیمحل اقامت او

مقدار قدمت اول در امام مملکت با اساوی شدرایسط - مساوی خواهدد بود م

مقدار قدمت دوم – که اسم آن را مدد معاش محلی می کذاریم – متناصب خواهد بود بامخارج زندکانی محلی که معلم در آن اقا من دارد . چون ازطرف دیگر به تیبوت رسیده نون ازطرف دیگر به تیبوت رسیده است که هر قدر جمعیت مکانی زیاد نر باشد محارج زندکانی بیشتر است – مبلغ مده معاش متناسب خواهد بود یا مبلغ مده معاش متناسب خواهد معان قبد مده معامین قبد معاش معامین معامین معام مینده است .

بعقبهده ما بنجای ماد. ۲۷ باید.



مشنول إرغاى إوامر ملوكانه يودند اعلان انتخابات روز كذشته فرمان انتخابات راكه در

آقای کافیل وزارت داخله بادارممر ا نهبه و برای آمضای آقای رئیس

الزدهم شهر شعبان بصحه أهسابو قسى سبده بود از کابېنەرياست وزراء عظام وزارت داخله ارسال نمودند از طرف مر شد که بفدوریت اعلان انتخابات لوزرا ارسال نسابند كذا اعلانا نتخابات روز شنبه از احت طبع خارج و منتشر خواهد کردی^ر آظهار قدر دانی _{ما} از طرف آقای رئیس الوزراء شرحي بحكو مت نظامي آ ذربابجان نو شتهشد از إمبر لشكرو كلمه صاحب منصبان افرادیکدر خلع سلاح و اسلیمروسای اهمون ها زحمت کشهده و خدمات نایان نمو دراند ازطرف ریاست وزراء آن ها اظهار رضايت فوق العاده کمسبون های جمع و خرج وزارت

ما چدرد عی بینی می ا احفار حکومت 🔜 المجمح وياست مالبه قم الم

ما ابه که بر طبق نظر بات آقای مصدق السلطنه ر وزارت نهالېه اشکېل شده بو د بو حسب المعسيم و ثبين كل إما لبه المتحل كر ديد ملیحل خواهد شد ولی حقوق اعضای كمستبون هاى فنوق خون از معمرين مهجتر مبن اوردارت ماليه هستند مرابيا پر داخته خو اهدشد ك العبين «شغل جهت آن محكمران يزد إز طرف وزارت داخله حضار کردید و آقای مشہر المما لك . أنبس مالبهسا بق بدمت كفالت حكومت تديمي وزارت مالبه فستنديست رياست البردماند مراكر المراد امروز بكدستهاء ابرويلان جنايديكه ر مىكو بطرف طهر ان خر كث نمو دةوار د طهران خواهد شداين ايرويلان فعلابرلى-

مواشى خواهد بود ماعدت المستقد الدارة ماليه موافقت ومناعدت بتمايند

یك كورانی امریکا اخبرابا کمیانی | های ناط در باد کو به عقد المحادی نمو ده زوزارت داخانه اظلاع مهدهند که در آخر است که چند جا، جدید حتر کندو برای از برج حوت از طرف مجاس حفظ الصحه اينكارماشهن واسباب لازمه ازامريسماحدل الدولتي بكممهون آبله كوبني أيالت فارس الما بدَّ مدت عقد ابن الحاد بين كمياني (كتبا امر الله است كه يكنفر طبهب ها با نزد. سال خواهد بو د پس از انقضای ز بامایه آبله هر چهزو دان به به به مان العلمات محکموم با ناهال مدت ماشهن ها و اسماب های محمو ادرا | لازمه اعزام زمایند الله ا كمبياني امريكانى بكميانى بادكو به نفويض إلى المحمد كن والاحضرت المحتي

اخذ اختبارتات لازمته از رياست وزراء معتضد نقل تمكان براى تشريف فرمائبي به جهار روز خدمت فوق ألعاده عظام مدت سه ماء وقت كرفته است كه المذربابجان خواهند فرمود چند نفر از مطالعات خود را المام ندود. و نقشه ا رجال كه از ذكر اسامی آن ها فعلاخود | ٧١٥ – ٩٩٠ – محكوم بانفصال التكهلات وعملهات خود را بمقام رياست أدارى مكنم از طرف رياست وزراءبراى وزراء لقديم نمايد فعلا محاسبات مختلفه ويسكاري كل آذربا جان بوالا خضرت اقدس دواز بادیه را اس کر داده یک اداره ، پیشنها د شده است که زبین آنها یک نفر

> د العقب ببشنها دايات فارس راجع باست نظمهه آنجااز طرفاداره نظمهه آقایان مازور فضلاند خان وسلطان سبد مصطفى خان براى ويأست تطميه فارس أ ابنكه زود ار للف شؤد خودشوا باطناب كمتمبون لغربتي ملحاسبات نهز عماقريب بوزارت داخله يبشنهاد شدهاند أرابتهم آوبخته خفه شدهاست ي المجين ا**حضار** در المحر الحضار . ا ار بشکایا ای کهاز اها ای نطنزر اجع يسوء سلوك حكومت آنجا بااهالي بمقام رياست و دراء وسبه م يو دا زطر صو زارت داخله ووزكدشته مشار البهرا احضار فمودند ک یکفر نویکری تیجای ایشان منطوب آ قای آ قا میں زا سلیمان خان **ا شود** ، بېوجب راپونې که بو زارت داخله وسبدة است جهل نغر از سارقين فارس کل آباد و هو بو د که مابېن، خاك اصفهان و شاهن دهشها عالدو له کهاز مستخدمین 🚽 یزد: است مقداری آتا تبه و کوسفند بنارت بالبه قم أنتخاب و حكم رسمي إيشان ل مامورين إداره امنبه. آن ها را نعاقب للحقبق و رسبد كي لصمبم كمسبون معين ما در کردید عما قریب بمحل ماموریت آمودم اند که اموال محروقه ا مسترد خواهد شد خودشان خواهند رفت ورود آیرویلن : احمه ۲۰۱۲ – ۲۰۰۲ - ۲۰۰۷ - ۲۰۰۷ - ۲۰۰۷ - ۲۰۰۷ - ۲۰۰۷ - ۲۰۰۷ - ۲۰۰۷ - ۲۰۰۷ الز طرف وزارت داخله بحكومت

عربتان ويعتبهان وكهكملويه إمر شدكي د. امورات اذاره مالبه آنجامه اعدنهای ۲۰۹۲ - ۲۰۲۲ - ۳۷۳ - ۱۰۹۰ - ۱۰۵۰ - مازور ابواهبه خان

از وزارت علوم ومقارف وصحبه به ا خواهدنمو د المان المان المان المان المان المان المان الملاعي كه باداره رسېد. صربالأجل مطالعه المجار استوالا حضرت اقدس ولايت غهد دون ی متدر واین کمتشار بادیه پس از ۲۰ شهر جاری از طهران بیاغ سردار المحدد المحبه ع خبا مان فرما نفر ما يكنفر دست فروش بعلت غبر معلومی اول شکم خود را باچاقو "پاره نموده" بعد ابرای درجه

1 🖬 🕹 🖉 🖉 🖓 🖓 🖉 🖓 اطلاعات متفرقه مجازات آژ انهای کرو کنند. بقبه از شماره قبل الحبه به - آژانیای زموه ۲۳۴ -1+A1 - 190 - AAT - AIW - 1144 - 047 - 1.49 - 144 - 20. - 75 ا.٩١ محكوم ببك هفته خـد مت فوق ایاده آژان ندره ۱۲۷۵ و ندره ۷۷۰ محکوم به لنزل بك درجه دو انفر صاحبه، ضب نبز در این ناحبه دخالت در کرو داشته اند که پس از - 1409 - 174 - 944 - 440 - 142

*شاره، ۲۵

امتحان بزواز نموده در آلبه حامل پست اللزمة نموده همیشه در انجام مستولات (۲۷۰ – ۷۷۰ – ۷۷۰ – ۷۸۰ – 1404 - 111 ---- 400 --- VI 014 محکوم به ۸۸ ساعت خدمت فوق العا ده آذانهای ندر. ۲۱ - ۸۰ -٨١١ -- ١١٧٠ - ٢٠٩٠ محكوم بانفصال - محمد خان آ ژان امر. ۸۱۲ محکومیه انزل دو درجه محمد خان سوزاو فسبه درجه دوم

الحبه ٨ - آژانهای بدر ۲۹ - ALE - ATO - TAA - AII - VYI - MAY - MAD - AAE - ATA - AEY AVY - ALT - 1.40 - 004 - 019 ١٠٧٢ - ١٠٧٤ - ١٠٨٠ - ١٨٠١ محكوم آژانهای ندره فغغ - ۵۰ - ۲۰

ناحبه ۹ آ ژان های ندو . ۲۰۹ ـ ۳۸۹ ـ ۹۰۹ 277 - WET - 1170 - 741 - 074 1VE - 1VK - 1.44-444 - 444 المال المالى تدر ٩٨٤ - ٧٧٤ - ١٩٩ ٧٦٩ - ١٠٢٧ محكوم به النزل ال

آذان های ندو. ۱۷۱۰ - ۱۱۳ ٧٩٧ فتجكوم بأنفعال آ ژانمای ندر ۱۱۹۰ - ۱۱۸۹ -محكوم وانفصال 👘 🔆 آ الماحية ١٠ – آثران هاى تدره VM - W -- INN -- WA -- AVO - 14. - 148 - 144 - THE - OK ادا - ٤٥ محکوم بهجهار دوزخدمت فوق العادم محمد العاد الم الم ماشاءاتة خان آزان فدر. ٢٧٦ محكوم بانفصال مصطفىخان آزان تمره المهمجكوم بانفضال على المغرخان آژان نمر . ۵۰۳ محکوم با نفصال مو خلبل آژان ندر ۱۲۸۲ محکوم بإنفصال عباس خان آزان نمر. ٧١٧وعزيزانة خان آژان نمزه ۱۲۷۸ و حدایت الد خان آژان نسره ۱ ۵ ۹ متحکوم با نفسال کردیدند محل امضاء اعضاء محکمه : سلطان ۷۰۷ ـ ۲۲۲ ـ ۷۲۰ ـ ۵۶۰ ـ ۲۳ ـ ۸۱۳ خدين خان ــ مبرزا على نقى خان ــ ، مبرزا حسن خان مازور ادبب السلطنه سُمَّ

> العين طريق در ومعط رو دخا نه شكاه داشتند : "بك راموش کردید و او هما نو قشکه بمقصود رسیده و حبو به را درجآغوش کشبده بود ، هدف ابس الله الموقد والقشمة تقعيش ازا ، در سراشه ساحل ود شد 💮 و لی خاطر جمع باشید که کارها آبیرو فق دلخواه، انجام مبكبرد. ی میون از آن اطراف . کمتر عبور و مرور . آلاریس ، دیکر خر فی نزدودست اوپن مبتد، عمليات آنها را هَبَچكُس نديده شبُّ هُـمُ ا کر فنه ، صميما نه فشا ر داد . او بن با به بله او ای نردبان کداشته طرکتی المالان أسبار الريك واظلماني بود. اد و مطمئن شد که محکم است . آنوقت شروع لوین آخرین دستور العملهای خود را ب آنال لوج، و فركرو نهارد ، داده خنده كنان الببالا رفتن نمودي من المشارك المسالم المسالم بزودی نردبان را طی کرد و بدیوار بنرج كغت : من مېخواهم به بېنم چكونه د دوبرك ، اِسْهِد ، از آرْنجا بَالا زُنْفَتْن بِدْرَانُ أو مَشْكُلُ شَد . را شکنجه مېکنند و البته برای ديدن تينين پر ده جونکه دیو از مایل- بطرف رودخانه بود . 🔄 باید متحمل هر کونه خطوی بشوم . خوشبختانه، در فواصل ديوار . سوراخها أى و کلاریس ، در قابق نشسته بود ؛ لوین باو جود بود که آوین مېتوانست پاهای خود رادر کفت : هیچ حرکت نکانید ، و هر الغاقی هم آنها جا داده محکم کند ، و بعضی سنگها ه رخ دود اهمیت نسداد، ، ابدا داد و فسر یادی ز ديوار بې**رون آ**مده بو د که دست بانها کر فنه الما أيد ، المحمد من المحمد الم لا مهرفت الدومنارلية ابن الشكها از ادستش الار پرسبد : معلوم مبشود ؛ الفاقي رخ خواهـ د رفتند و پایش لغرید ، اما هر طور بود خود را جواب داد : مكر قصه و السانكار ويل ، را المتكاه داشت و أز افتادن مما نعت كرد ،

در اواسط برج به سوراخ وسبعي بر خورد س برای تجدید «قوا بدرون آن رفت و پیش خود خبال کرد که بالا نر نرود و از همآن اهی که آمده است بر کرددولی بزودی از این خیال دهد . منصرف شده در دل کن: لوين خه ملكو ٿي ! مكر ديوانه شده اي . كر بر كردى ، دوبرك ، اسرار خود ارا فاش خواهد کرد و مارکی مورت را اصرف خواهدندو د آن وقتواى برحال دريلبر عمد الم اطنابی که بکمر بسته توق و جون او را اذبت مَى كَرْدَ إِبْرَ تَمَوْدُ وَ تَنْتَطَ بِكُ طَنْ نَشْرًا بِهُ تَدْكُم شلوار خودياتة بقيهرارها كردوطناب بطرف ودخانه افتداده دستکمومای برای مراجعت وشده اوین مجددا شروع ببالا دفتن کرد . از دستها و ناخن هایش خون مبریخت لحظه باحظه منتظر مغلق شدن بود و چېزی که بېشتر او رانا

امهد می آرد استماع صدای رفقا از مهان قابق آنقدرها دور انشده است ۵ مدر و د د م م مدر بالا د م من مد مد ما د مر الد ور

• <u>•</u>

الم خبال: () تا نیارو بل) هم از سوش ببرون نمی رفت ودردل مي كفت: شابه الان يكي از متحظين (دو بُرك) - مراحبة المبتد أو المدف المناخبو در قرارم بعد مختصر بالا رفت . . . يالا رفت . . . برجدو جهد خود افراد ، چندین مرابه پناهایش لغزید مکر را دست از خان شست : ۲۰ میکموشیه دست ایسه ريشة كه از ديوار بېرو ن آمد، بود بند كرد الما خود را بالابکشد، و لی ریشه کند. شد و او را به مرك انزديك كرد ... جېزى نما نده اود كە بكلى ا مقصود صرف تمليز كند كه المحادثة فترجاخدك شد ، و هوش وهو اسش بصد أي ، كه از مبا ندستك ها شنېده مېشد متوجه کرديد و

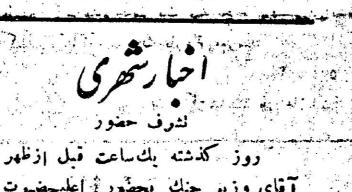
آنوقت درست کوش داد سدااز جالب راست شنېده مې شد چونانطرف نکاه کرډروشنا ئې خلېلې بجشمش صادف نمود بزحمت خورد والإطرف وشنائبي كشبدنا كهان سوراخي رامتناهده كرد كدهنه آن جَود كه ابدا المنهبين أمى كرد والوين تهديد كاهنوز ببش از سه ذرع بؤد الما المهايش شكتروباسه مهله الم الم الم الم

Y saint &

···· وارالتورامي ملي خلاصه أبداكرات در يوم بلجشنبه ١٥

14.40.2 المستحمي المساغت قبل از غروب به أرباست: آفساس موثنين الملك ألنكهل و صورت الجلنه قبل قرائت و الصويب شد آقای دانش زاجع به شروع المتبغابات شرحى اظهار تمودند أ آقایان حاج شبخ اسدالله و مدرس هم شرحی در المقبب اظهار ات آقسای الخذانش ببان نمؤده وشمنا القاضا نمودند الملکی بقوریت و جندیت هرچه المامتر ادر المنظرة فامروز و فردا دوات اعلان انتخابات المذهد "الانتخابات زودار خا أمه يبدا A CARE TO A LANGE م آقای ر ثبی ب بدو ات ال کبد الم مبشود که هرجه زود از اعلان انتخابات ا إشاعه بدهند و در هرجا که مقدوراست المنافقورا شروع بدانتخابات تمايند (صحبح تيسيم**ليمان است) ان ا**يسان مستحدث و يدسيه ما ا انتخاب ناب رئيس أول

آقای مدرس با کمتریت ۲۴ رای آز ۷۸ نفر عده حاضره انتخاب شدند ے نایب رئیس دویم ۔ آقای ندین با کنریت ٤٤ رای از ۹ نفر عد، حاضر انتخاب شدند 🛁 ۔ چہار انٹر منشی ۔ 🗧 آقای امبر فاصر با کثریت ۵۱رای وآقاى عدل السلطنه باكتريت ٢٠داى و آقای دانش با کنریت ۵۵ رای و آقای منتصر الملك بإكتريت ٥٥ راى أز ٨٠ نفر عدد حاضر وانتخاب شدند - سه اندر برای اداره میاشرت -آقاى ارباب كبخمروبا كنربت W دای - آقای حابری زاده با کمتربت ۲۲ رای و آقای عماد الملك با كنربت بهرای از vo نفرعد، خاضر ما نتخاب شدند مجلس دوساعت وربعاز شب كذشته ختمو دستور روز شنبه انتخاب كمستبون لي**ت خارج عن ا**ختار والمرافع بالحديد الغاير



آقاى وزبر جنك بحضور أعلبحضرت المما يو في المشرف المده قريب دو ساعت

المسلمة المعنى وا از قسمت جلو ، داخل دو تمايه نردبان المحالة فرو بردند .

الم المراجع ال الول

آقای مدیر اینك منابقه جدید شما ا عجب موضوغهای دلجبوجذایی المتخاب مي كشيد؛ مبخواهيد بقهميد در منز ما يسطايفه السوان ساحيست. آبا از جهارده سال قبل که ـ از قرار مقالات خودنان ـ بفرنك ر فتهاید نا بحال که مرد آزاد شده اید ... نهبهرا نی در احساسات ... رو حبات افکار يا بالأخر، در منهكو لو ذي ما حاصل شد، يما خبر ؟ بهمتين جمهت، و براي نبسل بهمهن مقصود موضوع ثانوى را - كه بېشتر مربوط با قابا تـت عدهم بخا أم هارجو غ فر مود. اید وهم ب در جزو سیویکم ب بدردان ! من هم با وجود این که در مابقه اول شما شرکت کردم در این هم مهخواهم شريك شوم اکر من مرد ودم ... اکر من مثل در مملکت از ما بهتران دارای عقبد. و رای به ودم که اکر اتحری بر عقبده و رای من متر آب می شد می کنتم که منل خانم زبېد، خانون -- آنزنىكە چشم من بېسندد و تولېم خديق كند آن زن زن خومی است رہے n de la construcción de la constru La construcción de la construcción d ولی حال که زنم و مازنها ـــ با وجود آنسان بودن بــ جزو . . . محدوب مبشويم حد بإبد كرد ? بادی باز فرض مبکنم مردم و مرد ایرانی وباید برای اختبار همتنوازندکانی خود به خواستار متوسل شوم . در این صورت باین کنی که خوش بختی بك عمر من بسته نجشم و ذوق و درستی اواست دستور مهدهم برای من زنی پېدا کند که ولس جلسند باشد 💴 موبش بوز _ سفید پوست _ متناسب الخلفه ک از حبت سن رینجال از من لحضبل كرده باشد لا ازصحبت بااو آندان متلذذشو د كديانو باشد البدو إندامود خانه واست بدون مدامناه مروحت التعاموهد وای از آن زنی که هرساعت باید یاو دستور داد ا من مبخواهم زن دارای عقاید شخصی در خانه داری باشد و عنان آختبارات وا ـ در خانه ب از مرة بكبرد . بالاخر، زنى كه براى من يبد! مبكند بابد بجه موست بعد الرامت شود

زن خرب

طغل اورا دابه شبر دهد _ کلفت بزرکش کند _ کنبز مصامین برد . .

پس از د کر مقبلسات حتوق بابد [و منلسا برین برای] نان تبز ونج درجیه واكل شد كه بر حب سابقه خدمت و أبراز لباقت اشنال خواهند كردا لبته مقباسي که برای اضافه حقوق معلمین دیگر در اظر كرفته شد براى ابن طبقه مخصوص الم الم الم

ماده هم راجع به معلمين تقما ش ورزش- خط کے طرح پېشنها دی اسمی از آن ها نبر ده - در این قانون منظور **دائن .** بعقبده ما باید حقوق آن هارا از اهم باید مراعات کره

روی ساعات ادریس در هفته معین کرد طنا ب نازك و محكم . ك يتجا . بـــا مت ذرع طول داشته باشد ، خو بدا وی کن من به کمر خودنه بندم . و گرو نبارد . هم جند عدد ذردبان لهبه کن ، تسا بهم وصل کنېم . همدستان لو ين کفتند . ار باب چه ، خپال داريد ، این کان کمال دیوانکی است . 🕐 کفت : برای چه دیوانگی آست ، کاری را که چهار قـرن پېش بکنهری انتجام داده است بنه من هم مبتوانم از عهده از آ يم . کفتند ممکن است از برج پیرت و ثلف

بد . جواب داد : خورهبد دید که ^مچکونه به متصود رسم ، نبش از این هم در اینخصوص حسرف نزنبد و یکاعت دیگر ، در ساخل رو دخانه حاضر ે અને ગામ દેવી તેમ કે **તેમ**

پس از زحمات زیاد ، خند تر دیان بهم وصل شد و در وسط رودخانه قرآن کرفت ۶ مسم مجموع فردبانها پانزده درع شد و آن را

ازن خود سوء ظن داشت او را دراطاتی شکانیجه مبس کرد [•] بب**ت سال** کذشت نا بك شبىعاشق او (النکارویل) نرده نی در رود خانه کداشت و از دیو ار رج بزحمت بالار فته الحو درا بدو د اخ محس معدو قه رسا تبد ن وقت مبله های آهن را پر بد و و از محمس بهرون کشید . با هم توصیله طناب شرازیر شدند همین که پا باولین پلسه فردبان کذاشتند مدای نبری شنبد. .د و شانه عاشق را درهمشکست عاشق و معثوقه معلق زنان سرّازیر شدند...) پس از قرائت این حکایت احظه ای سکوت حکمهو یا کردید ، معلوم شد که جهار قرن قبل ك نفر براى نجات معشوقه خود از اين برع عظهم بالا رفته است؛ الوین نظری به (کلاریس) افکند . مَمْ بِهِ ﴿ لُوَ بِنَ) مَي نَكُرُ بَسَتْ أَوْ لَي حِهِ نَكْاهِي نکاه مزدری که پسرش در دست جلاد است و هیچ رای خلاصی او متصور نیست ، مادری که است در زاه فرزند جان و مال خود را ایك حادثه خونبنی بود كه در آنجا الفاق افتاد افدا كند geber, s s s s

مقرری معلمین و مدیران مدارس عبارت است از حـقوق و مـدد معاش

حقوق با الساوی شرایط درهمه جا میاوی و مربوط بشخص معلم و مدیر مدد معاش محلى متناسب خواهدبو د

عده جمعهت و مربوط باقامته کاممعام و اما راجع به نسبت حقوق طبقات

چهار کانه معلمین بېکدیکر ـــ مالصور می، کنیم کرمقباس ذیل مطابق با انصاف و عدالت باشد :

٢ = طبقه جهارم بأمعلمين و معلمات مدارس ابتدائي برطبق قانون بودجه ۲ - طبقه سوم یا معلمین دوره اول متوسطه مضاعف طبقه حهارم 🌱 🗕 طبقه دوم یا معلمین دوره دوم متوسطه جهار برابرطبقه جهارم ع ــ طبقه اول يا معلمين مدارس المالية يتج بوابر طبقه جهارم مثلا اكر بالفرض معلمان أمدارس ابتدائى كهدر درجه پتجم طبقه خود هستند تشكسالي ۲۰۰ - Martin A Adams - Andrews in المقوق مبكيتر نداء معلمين درجه ينجم جوره اول متوسطه ۲۰۰ نو مان جو اهند کر فت - معلمین درجه پنیچم بدي ده دوم متو سطه ١٢٠٠ لو مان در يافت المحقولهند کرد کے معلمین درجہ پنجم ا ممهارس عالمبه ١٥٠٠ ماخوذ خو اهندداشت المحمد مي أرشبهم المقباس حقوق معلمين وابع حقوق درجه ينجم الم مور الحسب استوات الحدمت موافق طرح يبشنها دى اضا فهحقوق بتر لبب ذبل داده مبشود : پی از دوسالخدمت الم يك ربع از املحقوق اول پس ازچهارسال 🖉

> الم حقوق قبل بعلاوه بك ربع ازامل حقوق و اول کار انداز انداز انداز انداز ا الم يسى أز غش شال الله الله الأ الم ه ا بيس از هشت سال او از ه^ا او از م پس از سپزدمسال و و و

 ه العامة العلم حقوق أول یس از هېجده سال و و و پس از بېست وسهسال د د د . قوق قبل بعلاو مربع آن پساز بېست وهثت سال 🔹 د 🕵

اكر مقهداش فوق را بموقدم عمل کذارند بقین داشته باشبد که از میلخ حقوقی که در ابتدای دخول بخدمت به معلمین می دهند فوق العا ده خو اهند کاست والا چطور مېشو داصور کرد در مىلکىتى که فقر و فبلا کتهمیه را زرا کرفته . حقوق معلم در آخر سال بېت و هشتم خدمت چهار برابرونيم حقوق اوليداش مثلابه يك معلم إبتدائي كه با بېست پنچ لومان حقوق شروع کر دہ بایے۔ بكصدو ذوازده لومانونهم خقوق داد اكر مقباس حقونى ورود بخدمترا خېلې کې وغېر کافې نکېږ دد. بايدو اشل داهوض کرد

ربعقبدمها بايد مقباس ذيل را ماخذ قرارداد: 🔬 🔆 🏡 👘 درجه پنجم برطبق ماده قبل (که مقباس حقوق درجات پنجم هر یک ز طبقات را معین مبکند) درجبة خيمارم محقوق مادون بإضا فهر بع درجه سوم 👘 حقوق مادو نابضا فه درجه دوم 👘 حقوق مأدونباضا فه ربع حقوق درجه پنجم درجه اول حقوق مادون ، باين ار لبب حقوق هريك از معلمين همین که از درجه پنجم بسه درجه او ل رسېدند يعني پس از دوازده الي بېت سال خدمت - مضاعف خو اهدند .

درباب حقوق مدبران ـــــ ابتداباید قبد كرد كه در مدارس ابتدائي كمتر ز چهار کلاسه همان معلم کلاس جهارم ک

مخصوصی نېسټ و آبعسد این نکته را باید در نظر یکرنت کالزم احت دو (اشل) قابل شد یکی برای مدیرانی که از خدرجه دوم اول هرطبقه از معلمين انتخاب مبدوند یکی ابرای مدیرانی که از درجهسوم ملمين يك طبقه بمديرى مدرسه مأدون منصوب مېشو ند 📜 🖓 برای نوع اول ـــ بغقبدهما حقوق درجه پنجم مدبران باید معادل حقوق رجه اول أمعلم آنطبقه بإشد بإضا فهمش آن و هر درجه که مدار _ بر حب سنوات خدمت و ابرازلباقت بالامبرود بكعش علاو مشود . منع المعد ا

المرد ازاد

برای نوع دوم ـ باید متباس ذیل را الغاد كرد : بيني درجه پنجم : حقوق درجه اول معلمين همان طبقه بعلاو مثابت آن درجه چهارم : حلوق مادون بأضافه سد س خقوق قارجه اول معلمين آن طبقه درجه سوم : حقون مادون ت درجه دوم : حقون مادون ، درجه اول : حقون مادون ، برای نوع اول - حتوق مدبر بك مدرسه در درجه اول بك برابر و نبع زمانی است که المازه اسدیویت انتخاب شده برای نوع دوم کی کی بدرجه ول ازدرجات پنجکانهمدېرېرسېدحقوقش ندازم معلمين درجه إول طبقه أصلبهاو خواهد بود باین ارشب اکر معلمیاز درجه سوم طبقه خود ومديرى مدرسه مادون منصوب شد همین که بدرجه اول مديران همان طبقه رسبد مثل آين آست بدرجه اول معلمين طبقه اضلبه اش مدرسه را اداره می کند احبتاج بمدبر رسیده باشد اداره می کند احبتاج بمدبر

le déluie

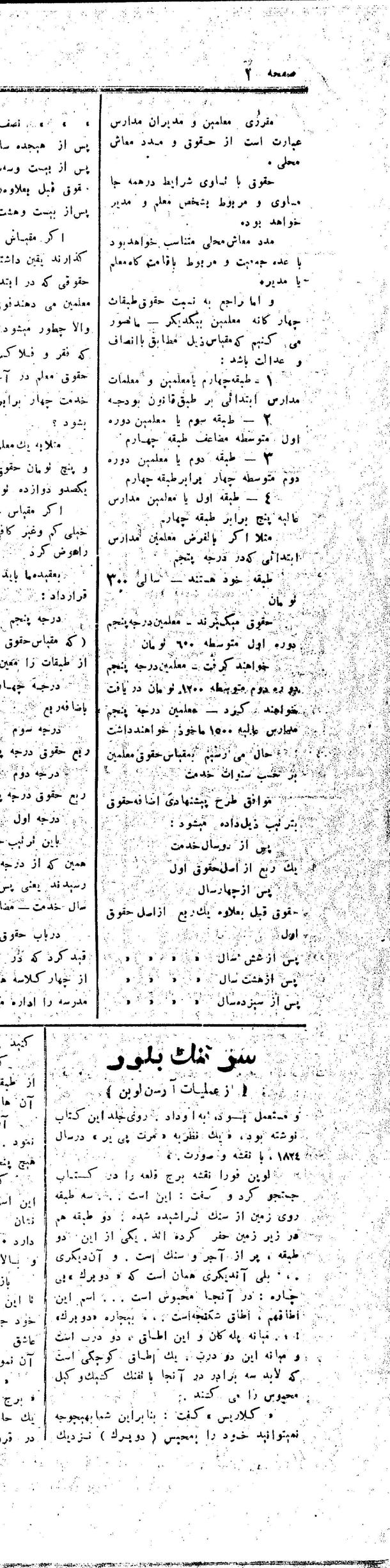
سق تنك بلور

المان المان المان المان المان المان المان الم و مستعمل بسود، به اوداد بروی جلد این کتاب الموشته البود، وايك المطرية والمرت إلى إلى الرام درسال المما ، با نقشه و صورت ، م 🔬 🖉 لوين فورا نقشه برج قلعه را دن كـــتـاب جمتجو کرد و کفت : این است سه طبقه روی زمین از سنگ نیراشیده شده : دو طبقه هم کردہ آند ، یکی از این کردہ آند ، یکی از این کرد اطبقه ، پر از آجر و سنك است . و آندېكرى ... بلی آندیکری همان است که د دوبرك میں حجاره : در آنجا محبوس است . . . اسم این | نا این که یك فصلی از کتاب نوجه او را به أطاقهم ، أطاق شكفجه إست ؟ ، ، بَبْجَارِه دُو بِركِهِ ۲ ، ، مبانه پله کان و اين اطاق ، دو درب است و مبانه این دو درب یك اطاق كوچكی است آن نمود : كه لابد سه برادر در آنجا با نفنك كتمكوكبل ، در قدیم الایام برج این قامه را اهالی ب محبوس زا می کنند . : از اسم یادکار- کلاریس ، کفت : بنابراین شما بهمچوجه نمېتوانېد خاود را بمجيس (دويسرك) نازديك

کفت : بلی ، میکن نبخت ... مکر این که طبقات بآلا بانجا برويم واز سقف ناظراعمان آن ها شویم ۵۰۰ این هم خبلی منکل است. آن وقت مجددا شروع بودق زدن کستاب نمود . (كلاريس) از او پرسېد : اين اطاق هبج ينجراى، به اطراف ندارد ؟ كفت : جرأ : از بالين زود خانه . ــ این است . ببدا کردم این نقشه بخویی آن را دیان میدهد . ولی پنجاه ذرع ارتفاع دارد مم ديوار هم بطرف رودخا نه منحرف است و بالا رفتن از آن أمكان بذير نبست . باز چند صفحهدیکر کتابرا از نظر کد راند خود جلب کرد . عنوان ابن فصل : • برج ذو عاشق بود . لوين شروع بخواندن سطوراول

در قرون وسطی ۰ کنت (مرت پی بر) چون

(أو ين) به (بال أو كفت زورد بك



		هر د از اد		• • •
۳۵ ماره ۲۵				
		کالو اېك ها اخېرا په نماينده مختار	حاض نېستند لغېېرات اسپاسي ور مواد	المنافع مخبر شرق نزدیک در اسلامبول
جندین اطاق اجارت فرانه با این اصد اطار اساس ا	مطنوعات خارجه	دولت روس مقهم لهستان سفارش شده	راجعه بإراضي كه سابقا موافقتحاصل شد.	ا شرح ذیل را مراجع به بانك دو اتن عنما نی
اصمهم اطاق المجارت پاریس مو افقت کرده		است که یاد داشتی به دولت لهنتان	است داده شود و ای خپلی مایل هستند ک	که بنا است نشکهل شود آبه جرید.
اند . درخارجه نبز بازارهای مطاره المان	کفرانس بین المللی ؛ اسیہ قبول	اسلیم کند در دیل یاد داشت اشعار می	ومشتمها دهای متقابله از کها را راجع به	مېنو يى د
چك و أسلواك سو تد ـــــــــــــــــــــــــــــــــــ	زبان المپر انتو در جارت	شود که نشیتات لهستان برای مداخله	حق قضاوت قنسو لها بالايحه او لبه متفقبن	بك پېشنها دى كه كويا از طرف
اسپانی زبان اسپرانتو را برای نشویات خدر دند فتر مازار ما زندن ا		در حقوق روسېه در مجازات خا ئنين بر	او افق دهند و غبر از میا ٹلی که متفقین	جمعی از متنفذین شده در احت مطالعه
خود پذیرفته وبازار مکاره فنلاند اخبرا کتابچه بزبان اسپرانتو در احت عنوان	ذر جلسه نهم فوريسه ۱۹۳۱ اطساق السادية بادير اكثر مرتجها با	طبق قوانين ممليكث بالاخر. لهديدات	در جلسه ۶ فوریه خود راجع بانها لوافق جا ایک اندانی	هم قت دو لت عدما دی است و شامل ناسمس
 بازار مجاره اقتصادی فنلاند ، انتشار 	المجارت پاریس با کنریت آراء لصمیم نمو د که زبان اسپرانتو که نمام مکانب الجار ای	و او هېنا ای که لهستان نسبت بروسېه	حاصل کرد. اند از قبهل دخول کمپاً ہی های لرك از الباع متفقین درمذا کرات	یک بانک دولتی مانند بانک فرانسه و
داده است ،	له ريان الشرير المدو که دمام معد تب الجار فی متعلقه باطاق مز بور الدريس شو د' (حا لبه	در نشبتات خو د بکار برده است نظاهرات	مستقبه باحكومت لرك لحفهفات ديكرى نخو اهند	انکلیس است
برای اطلاع از وضعیت کنونی	اسپرانتو سه مدرسه نجار ای اهام مېشو د	غېر دوستانه محدوب شده و ناشي از	داد و ممکن است این قبېل منا تل بود	
استعمال زبان أسيرانتو در أيجارتووسا ثل	و از ابتدای ماه زانویه نیز یک کلاس	سباست نهاجمی است که از طرف لهستان	ها نهز نوسط دول متبوعه شرکتهای مذکر ر	المنظم الماية أين بالك مد ملهون
العميم آن اطاق تجارت أيطالما تى درژنو	رسمی پرای ندریس این زبان درمدرسه	بر ضد روسېه اعمال مي کردد وصرف	قطع و فصل شو د (ر)	لبره عنمانی خواهد بود که بر طبق
کنفراندی برای ناریخ ۳۱ مارس آلی	فعلممات عالبه فحار أي دائر شده) بعلاوه	نار از غرر مجاز بو دن این قبہ ل	العيه روهر	ترخ حاضره بېن دوازده و پانزده ملېرن
٤ آوریل درونېن دءوت نمو د که در اخت	در حلمه فوق الذكر مشهو (آندره بو ده)	الرابيات كه اظهارات ر ثبس الوزراى		لبره انگلب ی خواهد بو د
س پر ستى اطاق اجارت شەر مز بور ا نعقها ديابد	د و يسنده زاپرت جلاب دقت راجع باين	لهستان مرکب از آن ها است دولت	للكواف واصل أزاسن حاكى است كه چهار	مجاوع این سرمایه دوقسمت خواهد
عده کشهری از نمایندکاناطاقهای نجارت	مسئله ماموریت یافت که در کنفرانس	ساو لی با حس نذریارد نوقعات بی نظیر	نفر از ۲۰ ران کار خانه کروب نوقبف	بو د باین ار ابب که نصف سهام آن ^ت بت
مال مختلفه در این کنفرانس شرکت	بین المللی اسپرانتو که در اوریل کذشته	لمستان را که می خواهـد دول حامی	شده اند بعان اینکه کار کران را نحریک	شد. و فقط انداع عنمانی آن ها را
· Min-	در مرکز مجمع انفاق مال منعقد کردیده	لهستانی های آنباع روس را بازی کند	مبکردند که در کارخانجات اسن سوت	من نوانند بخرندو نصف دیکر سهام
ر المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع الم راجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع الم	حفور بهمرسا فد .	رد کرده ودر ضمن یاد داشت یاد آور می شود که ده ها ملېون او کراینی و ا	کلی خانه ها را بصدا در مباورند	بی اسم خواهد بود که خارجی هما هم
		بلو دوس متوقف لهستان ختمی از داشتن	())	در خریدآن می نوانند شرکت نمایند
		الضمينات مقدما لي براى حمات و موجوديت		المنجاب أيتجاء أملبون شهرامي وأكه الباع
1994 - C m		اقلبت مال محروم مي باشند	د مو قعبکه سر بازان فرا نسه	عثما نی با د خر بداری زما بند طوری ار اب
فوتبال المحاجب المحاجب المحاجب	aulua .	یاد داشت روسیه امتذکر امی شو د	الومو بېل خانه واقعه در اسنو کار خانه های کروپ را اشغال مېکر دندمصا د مات	الله داده شده که همه مردم در خرید آن
آخرين (مع) مهم فو ليال بين كلوب		که ممترو ایت غوافب رفتار دولت لهستان	خونېنى رويدادە منابع فرانسە جنېن تمى	المسلحة المركت خواهندنمو د هر سهمي عيارت
	طهران وكملسنى انكلبس وانقع خواهد شد	كه در مناسبات بين المللي فظهر ان ديده	کو بند که ده هرار نفی از کار کران	خواهد بود از بانزده لبر. که شخص
	محل مابقه _ بېرون دروازه يو ـ	نشده است در عهده الهستان خواهديود	که بنهك اشاره آز اراضی کارخا نه جمع	خريدار مبتواند آن را بچهار قناط در
ذيل است	اسامی بازی کنندکان کلوپ بقرار	(ب: م)	شدند سربازان فرانسه را محاصره کرده	عرض خمار سال خريدارى نمايد وممكن
زیز خان 🗕 کریم خان نے محمدعلبخان 🔄			وراه خروج از کارخانه را بروی انان	المم همت که در عوض قبمت آن یاوج-۹
ــــ حسبة عليخان ــــ بل ــــ احمد عليخان		مسکو ــ حکم مجا زات بو لو یـج	مىدۇد ساختند : 14 المىت ، 14 م	داده ویا مواد خام بدهند پنجا، ملبون
	غلامحسين خان	بموقع أجرا كذاشته شد	سربازان فرانسه بنای شابك أزشصت	مرز دیگر را همان اشخاصی که این پیشنهاد
	نمره اعلان ٥٥ ،	(لبرد كزاشته ودر نتبجه يازده نفر مقتول	وابدو لتعتماني كردماند ابتباع خواهند
			ويتحاو جهاد نفر إذ كاد كران محرف	ing c

です。 作為 2、5

See. C

	محسرین سماسی در ایدن خودین	شدند در بېن مقتول سندل که از کمو	
نه کنفی انس	اظهار می دارند که زغلول پاشا ایرای	انبست ها ابو د کشته شد.منا بـم آ لما نی	
	استعلاج اجازه رفتن بفرانسه يافته و	خبو مبدهند که فرانسه ها فقط برای این	اخارخاره
د رامو ل تدایم عملی ۲۰۰۰ ۲۰	بهمچوجه حق مراجعت بمصبر ندارد 🗧	دست به شلبك كذار دند كه كار كران	
	دو ات انکاستان نظر به خود را نسبت به	فو مان راجع بتخلبه اراضی کارخانه را	
بداکو ژی پر اتیک	مشار البه نغببر نداده و اصرار دارد که	بسرعت كافي انجام ندادند .	صلح باعثماني
	وضعبات تابتی در مصر بر قرار شودو	(, · · ·)	المعتقين در جواببه خود
که انوسط آقای مدیق اعلم در دار الفنون داد. سده - از همزار	قبلاز اينكه زغلول ياشا اجازه مراجعت		والمعاد المعالى متقابل المستها اشعار داشته اند
و بانصد جلد که وزارت معارف بطبع رسانده فقط یک مد خاد باقیه مانده	المصر يابد سابيتي لايحه غرامات را	بر ان 🛁 از قرار یک روز نامه دو نه	کھرچه زود او مذاکر ات در او زان جدید
و از قرار جلدی چهار قران در کتاب خانه سعادت بفروش مبرسد	حكومت مصر لصويب لمايد	فاناطلاع مبدهد عناضر مابون ازاشغال	شود . در خواببه مذکور متفقين اصولا
	(ر ^۲)	الوموببل خانهما بتوسط قشون فرانسه	قبول کردہ اند کہ اواد راجعہ بے حق
، قمره اعلان ٤٥		موقعی بدست اوردند که مسادما ای بنین	قضاوت قلبولها مجددا لهبه شودوابن
n sen en e	مابون مصر از استخلاص زغلول	کار کران کروبو فراند کها نو لېد سنند	المسلم بةرسمبت شناخته شود كه اا أندازه
	پاشا اظهار خوشو قتی نمو ده کو اشعار	کا نېکه شاهد قضایای خو نین بو دنید	الممان معامله متقابله باعتماني بعمل خواهد
بورس لندن	می دارند که این اولین قدم بدست	اطلاع نقل مبكنند كصاحب منص فرانسه	آمد متفقين ازخارج كردن مواداقتصادى
	حصول أوافق نظر مي باشد يستعد مديني	ازهر کونه مذاکرات باکارکران امتناع	ی " از متن معا هد. ساح بطوری که 'رکها
المستجمع المستجمع المستحد المستحد فيوت الصلى مستجمع والمستحد حاشره	· (,)	ارتش بر تو به منام بران بران المدع د و ده و فر مان شلېك دا د خس م	المقاضا كرده بودند امتناعورزيده اندولي
هنتكى المنتخ المن الملبنك البرم المنتك البرم		ر بر ال منبع ال الم الم الم الم الم الم الم الم الم	وأجع بأمتهازات فعلى متفقين حاضر شدهاند
	ووسبة أولبن مال التجاره مائي		با که از انباع خود نقاضا نمایند کر کهانی
سمام بانك شاهنشا هني المراجع	کاز روسه به شو تد سادر شده باعت	متفرقه	ک دارای امتبازانی در عثمانی هستند
، قرضه ۱۹۱۱ دولت ابران	شکایت انجار سو ندی شدماست . بموجب	صو فبه ــ ديوان فضائى عالى	مستقهماً داخل مذا كره با حكومت نرك
	مندرجات جرابد استهكام حكومت ساويتي	بلغارستان ديروز ، رداران و وزرائي را	بشوند در صورتی که مدا کر _ا ت منتج به
	روسبه پس ازایکهبهانه در یافت کرد.	که در موقع دخول بلغارستان در جنك	مو فقبت له شو د متفقين ما نع نخو آهند شد که
، قرضه ۱۹۱۱ دولت ایران ۱۰۰ ۲۹ ، متعارفی کمپانی نفتجنوب ۵ ۳ ۵ ۶ ۶ ۶ ۶ ۶ ۶ ۶ ۶ ۶ ۶ ۶ ۶ ۶ ۶ ۶ ۶ ۶	کتان هائی که به اجار سو ادی اسلیم	سر کار بودند محاکمه نمو دند .	، المقر ات مذكوره در معاهده صلح مندرج
	کرده پست اراز آن است که در کنتر ات	رادساوف رئبس الوزراء و پنج نفر از	كردد متفقين اظهار اطمېنان نمو ده اند
بودس طهران	نامه ها قبدشدهاین جهت اجار سو ادی	سایر اعضای کابینه محکوم به حبس	که در صبورت حس موافقت از طرفین
خريد المحدوش الندن المحديد المحديد	به پارکه استهکام عرض خال بر ضد	دائم کردیدند و ژنرال نېداف) به	معاهده صاح بدون اشكالات زيادى منعقد
and the second	ادار ما اجار لى ازوشهم دا دما ند كه نه مطابق	يازده سال حبس محکوم کردید . کلبه	خواهد کردید متفقین در جواببه خود
لندن مکتوبی ۷۵-83 ۲۵-۵۰ نوبورك	شراط کنترات رفتار می کند و نه	إشخاص فوق الذكر حقوق سهاسي و	اظهار العجب نموده اند که عصمت پاشا
· المكرا في ٥٢-٤٩ ٥١-٥٠ آلمان	ببهاد، که کرفته است مسترد می دارد	مدنی خود را از دست داده اند و	میا الی را که قبلا نصوب و قبول کرده
باریس	(ب• پ)	جمعا محکوم شده اند که سی و دوملبارد	بو دمجددا مطرح مذاكره قراردادهاست
سویس از ۲۰۳۰ ۲۰۳۰ مویس ۲۰۳۰ به در دارد.		(اوا) بعنوان خسارات جنکی بیر دازند	و پېشتهادهای متقاباه در ما للی نموده
نہو او رك ••••• •٥٠٠ انقر. لندن	قاہرہ ــ اود (کارنا ددن)کاشف	()) ⁽	اند که باعث نو اېد قضا یای جدیدی مېشو د
رو به سبتی ۲۳۹ ۳۳۹ ۲۳۱ ۱	قبر (او این خامن۔ که در موقع حفر	· · · · · · · · · · · · · · · · · · ·	معهدا متفقين اظهار مبل به تسريع مدا كرات
	مقبوه ماری او را زده بود_رحات با فت	ممكو بمناسبت اظهارات دو لت	و حل قضاباً أبي كه عصمت باشـا مطرح
مطبعة بو سفور شر (٢)	سبر دی ری رو در رو بر دی رو بر دی از ب (ب • ب)	لهستان راجسم به مسئله محاكدات	یک کوده است نمو ده اند و ای بهمچو جـــه ا



÷.

, **e**